

نقش بیمه محصولات کشاورزی در تعدیل ریسک تولیدات کشاورزی

ابوالحسن یعقوبی^۱ - محمد چیدری^۲ - غلامرضا پزشکی‌راد^۳ - احمد محسنی^۴ - سعید فعلی^۵

چکیده

وقوع خطر در امور تولیدی کشاورزی مسئله تازه‌ای نیست. علاوه بر این نهادهای اعتباری روستایی و وام‌دهندگان یا بانک‌های کشاورزی و عمران روستایی همواره نگران بازپرداخت وام‌های خود می‌باشند. بهره‌برداران کشاورزی سعی می‌کنند با در پیش گرفتن استراتژی‌هایی همچون تنوع در کشت محصولات زراعی، انعقاد قرارداد، تولید محصولات دارای قیمت تضمینی، کاشت توأم محصولات مکمل و همچنین رعایت اصل انعطاف‌پذیری در تهیه نهاده‌ها، خطرات فعالیت‌های کشاورزی را کاهش دهند و یا مهار کنند. یکی از مهمترین استراتژی‌هایی که می‌تواند در این امر مؤثر واقع شود، بیمه محصولات کشاورزی است. بیمه کشاورزی نوعی استراتژی است که به موجب آن محصولات کشاورزی در مقابل خطرات کشاورزی و بیماری‌های نباتی و حوادثی مانند آتش سوزی مورد تضمین قرار می‌گیرند و خسارت مالی وارده به کشاورز بیمه‌گذار تا میزان مورد تعهد بیمه‌گر جبران می‌شود. از جمله فواید بالقوه بیمه محصولات کشاورزی می‌توان به مواردی از قبیل: افزایش درآمد کشاورزان، جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه روستاییان، افزایش پذیرش تکنولوژی پیشرفته، اشاعه روش‌های نوین زراعی و دامی، ایجاد امنیت اقتصادی برای تولید و سرمایه‌گذاری اشاره کرد. عوامل متعددی به عنوان موانع کارایی و شکوفایی صندوق بیمه محصولات کشاورزی در ایران به شمار می‌آیند. بخشی از این محدودیت‌ها به بنیان‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط است و پاره‌ای دیگر نیز به صورت درون‌زا به ساختار بیمه محصولات کشاورزی وابسته است. حال با توجه به اینکه هر ساله حوادث طبیعی صدمات جانبی زیادی به بخش‌های مختلف اقتصادی و کشاورزی ما وارد می‌سازد، وجود بیمه محصولات کشاورزی برای جبران خسارت‌های ناشی از بلایای طبیعی ضروری است و باید تبلیغاتی همه‌جانبه و یکپارچه برای شناساندن بیمه محصولات و مزایای آن به کشاورزان توسط کارگزاران صنعت بیمه صورت گیرد.

کلمات کلیدی: بیمه، بیمه محصولات کشاورزی، ریسک، کشاورز.

^۱ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

^۲ - استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

^۳ - دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

^۴ - دکترای ترویج و آموزش کشاورزی

^۵ - کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی

بخش کشاورزی یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی و به اعتبار ارزش افزوده تولیدی، اولین بخش اقتصادی کشور به شمار می‌رود. حدود یک چهارم تولید ناخالص داخلی (GDP) و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کالاهای غیر نفتی و اشتغال کشور و تامین نزدیک به 80٪ نیازهای غذایی جامعه از طریق این بخش انجام می‌شود (شاگری و موسوی، 1382).

علی‌رغم اهمیت بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، سطح پایین در آمد، نسبت پایین سرمایه به نیروی کار و ناپایداری عمومی از خصوصیات بخش کشاورزی در این کشورهاست. فعالیتهای کشاورزی همواره با مخاطرات گوناگون همراه بوده است. بهره برداران کشاورزی به دلایل مختلفی چون مشکلات جوی، آفتها، انواع بیماری‌های گیاهی و دامی و همچنین تغییر در قیمت‌ها، یا نبود اطمینان و ریسک در مورد میزان محصول و قیمت‌ها روبه‌رو هستند. امکان همیشگی بروز این حوادث، شرایط مخاطره آمیزی را به بخش کشاورزی تحمیل کرده است که نتیجه آن ترس، اضطراب و احساس ناامنی شدید است و همین امر قابلیت جلب و جذب و جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را به حداقل می‌رساند. تجربه نشان می‌دهد که این گونه خسارتها حتی اگر جزئی هم باشد وقفه و اختلال بزرگی در زندگی و فعالیت اقتصادی اکثریت کشاورزان و فعالان بخش و به ویژه کشاورزان میانه حال پدید می‌آورد (رسول اف، 1380). از طرف دیگر چنین حوادثی موجب عدم اطمینان باز پرداخت به موقع وامها از طرف کشاورزان می‌گردند.

بهره برداران کشاورزی به منظور مهار یا حداقل کاهش خطرات فعالیتهایشان طیف نسبتاً وسیعی از برنامه‌های گوناگون را مورد استفاده قرار می‌دهند و از زمانهای قدیم نیز تدابیری را برای محدود کردن این ریسک‌ها به کار می‌گرفتند. در پیش گرفتن استراتژی‌هایی همچون تنوع در کشت محصولات زراعی، تولید محصولات دارای قیمت تضمینی، کاشت توام محصولات مکمل و به کار بردن واریته‌های مقاوم اما با بازده پایین، سیستم‌های کشت (به طور مثال کشت اشتراکی)، نظام سهم‌بری، نظام اجاره داری، ارتباطات قرار دادی، گسترش درآمدهای غیر کشاورزی مانند صنایع دستی و

نساجی و استراتژیهای فرهنگی- اجتماعی و نظام های مالی غیر رسمی که ریسک را در خانواده‌های گسترده پخش می‌کنند از جمله این تدابیر هستند. همچنین با رعایت اصل انعطاف پذیری در تهیه نهاده ها، مخاطرات را بین محصولات و بدیل های جایگزین متنوع تقسیم نمایند تا در نهایت آن را کاهش دهند (Balagura and UenKateswart, 1990). اگر چه تمامی این اقدامات سودمند هستند، اما این روش ها اولاً نمی توانند این ریسک را به طور کامل از کشاورزان دور سازند، ثانیاً این ابزارها عموماً برای کشاورزان، پرهزینه است زیرا آنها احتیاج دارند که انتخاب هایی را بر روشهایی با بیشترین قابلیت سود آوری ترجیح دهند.

در این راستا بیمه کشاورزی می تواند یک نقش عمده ایفا کند و به نحو قابل توجهی امنیت کشاورزان را تقویت کند. بیمه محصولات کشاورزی یک راه مؤثر برای پخش ریسک در میان کشاورزان، در میان مناطق و در سرتاسر بخش های اقتصادی و در طول زمان است. بیمه کشاورزی، کشاورزان را از محافظت در برابر ریسک، خراب شدن و از بین رفتن محصول در برابر پرداخت حق بیمه اندکی بهره مند می سازد. در شرایط وقوع خسارت، کشاورزان بیمه شده می توانند غرامت بگیرند و نهایتاً جبران ضرر به طور کلی یا نسبی بین کشاورزان سرشکن می گردد. چنین قراردادی، کشاورزان را قادر می سازد تا وضعیت اعتبارات و تثبیت درآمد خود را بهبود بخشند که در نتیجه به تثبیت کل اقتصاد کمک می کند. بیمه کشاورزی همچنین می تواند منبع اطمینان و اعتماد کشاورزان برای پذیرش و استفاده از ابداعات جدید و روشهای اصلاح شده کشاورزی و انجام سرمایه گذاری بیشتر در کشاورزی باشد.

تعریف بیمه

یعقوبی (1379) بیمه را این گونه تعریف می کند "بیمه کشاورزی نوعی استراتژی است که به موجب آن محصولات کشاورزی در مقابل خطرات کشاورزی و بیماریهای نباتی و حوادثی مانند آتش سوزی مورد تضمین قرار می گیرند و خسارت مالی وارده به کشاورز بیمه گذار تا میزان مورد تعهد بیمه گر جبران می شود".

براساس یک تعریف، بیمه قراردادی است که به موجب آن یک طرف حق بیمه ای پرداخت می کند و در مقابل، طرف دیگر با قبول پرداخت خسارات احتمالی به او تأمین می دهد. به عبارت دیگر تعهد بیمه گر، رفع نگرانی بیمه گذار است و پرداخت خسارت- اگر رخ دهد- از وسایل انجام این تعهد می باشد (جباری، 1378).

بر اساس تعریف Picard and Besson، بیمه عملی است که به موجب آن یک طرف (بیمه گر) در مقابل دریافت مبلغی (حق بیمه) تعهد میکند که خسارات طرف دیگر (بیمه گذار) را در صورت بروز خطر بپردازد (فرجادی، 1376).

آیین نامه اجرایی بیمه کشاورزی می نویسد: "بیمه محصولات کشاورزی عبارت است از انجام عملیات تضمین محصولات کشاورزی در دوره داشت (از کاشت تا برداشت) در مقابل خطر یا خطرات غیر قابل اجتناب."

مفهوم بیمه کشاورزی

بیمه کشاورزی نوعی تأمین پوشش حمایتی برای انواع محصولات کشاورزی (زراعی، و باغی)، دام، طیور، زنبور عسل، کرم ابریشم، جنگلداری، مرتعداری و آبخیزداری در مقابل خسارتهای ناشی از سوانح طبیعی و حوادث قهری نظیر تگرگ، طوفان، خشکسالی، زلزله، سیل، سرمازدگی، گرمزدگی، آتش سوزی، صاعقه، آفات و امراض و .. می باشد که به موجب عقد قرارداد بیمه گذار با شرکت یا سازمان بیمه گر در صورت بروز حوادث و وارد آمدن خسارت، بیمه گر موظف به جبران خسارت مالی بیمه گذار تا میزان مورد تعهد و برای خطرات قید شده در قرار داد می باشد (یعقوبی، 1379).

(Carriker 1991) بیان می کند که صنعت بیمه به صورت امروزی از اواخر قرن هجدهم آغاز شد اما به شکلی مشخص در قرن گذشته به شکل یک فعالیت نهادی منسجم حیات خود را آغاز نمود. تاریخ نوین بیمه را می توان به دو دوره تقسیم نمود: نیمه اول این قرن شاهد نهادی شدن بیمه همراه با فعالیت بیشتر دولت بود و در نیمه دوم شاهد رشد و کمال این صنعت نوین بوده ایم.

بیمه کشاورزی نوعی بیمه است که به موجب آن محصولات کشاورزی در مقابل خطرات کشاورزی و بیماریهای نباتی و حوادثی مانند آتش سوزی مورد تضمین قرار می گیرد و خسارت مالی وارده به کشاورز بیمه گذار تا میزان مورد تعهد بیمه گر جبران می شود (یعقوبی، 1379).

کاهش ریسک فعالیتهای اقتصادی و افزایش ضریب امنیت سرمایه گذاری در بخش کشاورزی باید از جمله مهمترین دغدغه های برنامه ریزان و سیاستگذاران باشد و به عنوان پیش شرطی جهت ضمانت توفیق اجرای سیاستهای کلی رشد بخش کشاورزی ایران و ایفای نقش کلیدی و واقعی آن در توسعه تلقی شود. از این جهت است که بیمه محصولات کشاورزی به عنوان راهکاری اجتناب ناپذیر برای دستیابی به هدفهای توسعه باید مورد توجه قرار گیرد (امینی و رضانی، 1380).

سلامی و احمد آبادی (1380) بیمه را اینگونه تعریف می کنند: بیمه محصولات کشاورزی نوعی تکنولوژی جهت کاهش ریسک گریزی کشاورزان و تمایل بیشتر آنها به سرمایه گذاری در فعالیتهای کشاورزی می باشد.

خادم آدم (1370) معتقد است که بیمه در بخش کشاورزی عبارتست از تضمین جبران سهمی از خسارت وارده بر داده ها و ستانده ها و عوامل بالفعل لازم برای عملیات اقتصادی در فاصله قبل از تولید تا مصرف محصولات و در مقابل خطرات تهدید کننده غیر قابل پیشگیری است به شرط آنکه پیش بینی احتمال وقوع خطرات امکانپذیر باشد.

تعریف ریسک

ریسک لغتی فرانسوی است که به معنی خطر ترجمه شده، اما مفهوم کلی آن، نامعلوم بودن نتایج حاصل از عمل و فعلی مشخص در آینده است. در اقتصاد کشاورزی ریسک به حالتی گفته می شود که مقدار دقیق یک متغیر تصادفی مشخص نباشد ولی توزیع احتمالاتی آن متغیر مشخص باشد (کوپاهی، 1365).

از نظر بیمه ریسک عبارت است از نامعلوم بودن وقوع حوادثی که منجر به ایجاد خسارت می شود این تعریف دارای دو نکته اساسی است، اول نامعلوم بودن وقوع حوادث و دوم ایجاد خسارت. در حالی که

هر دو نکته از نظر بیمه مهم هستند ولی ریسک معرف نامعلومی وقوع حوادث است، نه خسارت یا علت احتمال آن (شیبانی، 1356).

منابع ریسک و عدم حتمیت در کشاورزی

ناپایداری و مخاطره آمیز بودن شرایط سبب شده که کشاورزی یک فعالیت توأم با ریسک تلقی گردد. شدت و نوع ریسکی که کشاورزان با آن رو به رو هستند، با نوع سیستم کشاورزی، مشخصات آب و هوایی، سیاستها و مجموعه تشکیلاتی و نهادی تغییر می کند. به علاوه به نظر می رسد که ریسکهای کشاورزی در کشورهای مختلف یکسان نباشند، اما به طور واضح این ریسکها بر کشاورزان کشورهای در حال توسعه به ویژه کشاورزان خرده پا به علت نداشتن پشتوانه مالی تاثیر بیشتری می گذارند. به طور کلی ریسک باعث می شود که کشاورزان به طور محافظه کارانه ای منابع خود را به فعالیتهای مختلف تخصیص دهند. آنها الگوی محصولات با تنوع بیشتری را نسبت به آنچه که از نظر اجتماعی بهینه است، تعقیب می کنند و در اکثر مواقع نسبت به پذیرش تکنولوژی های جدید به دلیل توأم بودنشان با ریسک تمایل نشان نمی دهند. به طور کلی کشاورزان هنگام تصمیم گیری با دامنه وسیعی از ریسک ها مواجه هستند. ریسک در کشاورزی ممکن است از ناحیه تولید، قیمت، اعتبارات و یا پذیرش تکنولوژی جدید باشد (فردوسی، 1373).

ریسک تولید

کشاورزی یک فعالیت بدون سقف است به این معنی که محصولات آن در هوای آزاد پرورش می یابند. این خصوصیت سبب شده تا کشاورزی یک فعالیت بیولوژیک و حساس در مقابل دگرگونی های طبیعت به شمار آید. هوا، بیماری، حشرات، آفات، پرندگان، دامها، علف هرز و غیر حاصلخیزی مثالهایی از عواملی هستند که سبب نوسان در تولید محصول می شوند. علاوه بر این عوامل، ریسک تولید ممکن است از ناحیه پذیرش تکنولوژی جدی باشد. جایگزینی تکنولوژی تولید قدیمی و ثابت شده با یک تکنولوژی جدید همواره توأم با ریسک می باشد. بخشی از ریسک پذیرش تکنولوژی جدید شامل هزینه های بالقوه ارتکاب ناشی از بی تجربگی می باشد. به طور مثال برای به کار برنده بی

تجربه، استفاده از علف کش بسیار خطرناک تر از وجین با دست است زیرا در استفاده از علف کش احتمال از بین رفتن محصول وجود دارد.

ریسک قیمت و بازاریابی

ریسک هایی که منشأ آنها از قیمت است به طور معمول دو گروه هستند یک گروه از آنها که به طور عمده باعث نااطمینانی و بی ثباتی در درآمد کشاورزان می شود، ریسک تغییر قیمت محصول است. در حالی که ممکن است کشاورزان احساس کنند که می توانند از طریق تصمیمات خود روی قیمت محصول تاثیر بگذارند، قیمتها اغلب به جز موارد استثنایی از کنترل آنها خارج است. قیمت محصولات کشاورزی از سالی به سال دیگر و از فصلی به فصل دیگر تغییر می کند. علاوه بر این قیمت محصولات ممکن است در مدت زمان کوتاه به اندازه یک هفته و حتی یک روز توأم با تغییرات عمده باشد. به هر حال از زمان کشت محصول تا برداشت آن عموماً 6 ماه یا بیشتر طول می کشد که در طی این مدت ممکن است تغییرات اساسی در قیمت محصول اتفاق بیفتند.

گروه دیگر از ریسکهایی که از قیمت منشأ می گیرند ریسک ناشی از تغییرات قیمت نهاده است. در صورتی که قیمت نهاده ها تغییر کند هزینه کل محصول تغییر می کند که نتیجه نوسان در هزینه کل و بی ثباتی در درآمد خالص کشاورز خواهد بود.

ریسک مالی

زارع هنگامی که اعتبار جهت تامین مالی فعالیتهای زراعی خود دریافت می کند، مواجه با ریسک مالی خواهد بود. در هر زمانی که زارع وام می گیرد، امکان دارد که درآمد آینده او برلای بازپرداخت بدهی - ها بدون استفاده از سرمایه مزرعه کافی نباشد. همراه با افزایش نسبت بدهی به سرمایه، ریسک مالی یک واحد افزایش می یابد. علاوه بر عدم اطمینان در مورد توانایی بازپرداخت وام ها بدون استفاده از سرمایه، ریسک مالی از تعدادی عوامل دیگر نیز منشأ می گیرد. ریسک مالی ممکن است در مورد سطح نرخ بهره آینده، عدم رضایت وامدهندگان به تداوم اعتبارات در سطح مورد نیاز حال و آینده،

ارزش بازاریابی، وثیقه تضمینی، و عدم توانایی در تأمین جریان نقدی لازم برای بازپرداخت بدهی وجود داشته باشد (Pope and Kramer, 1979).

همه افراد در زندگی روزمره خود مواجه با ریسک و عدم حتمیت هستند اما درجه این ریسک و عدم حتمیت متفاوت است. بدون شک زارعین گروهی هستند که در فعالیتهای خود با درجه بالایی از ریسک و عدم حتمیت مواجه می باشند. برای مقابله با این ریسک ها راهها و روشهایی وجود دارد. بیمه یکی از راه های معقول انتقال ریسک است و در واقع وسیله ای است برای انتقال ریسک به شخص ثالث که آمادگی پذیرش آن را دارد. بیمه یک مکانیزم مالی با هدف کاهش میزان خسارت از طریق ائتلاف تعداد زیادی از عوامل نامعلوم جهت تقسیم و تعمیم دادن بار مالی خسارت است (Anonymus, 1992).

نقش بیمه در توسعه کشاورزی

رشد و توسعه فعالیتهای در بخش کشاورزی نیز مانند سایر فعالیتهای اقتصادی مستلزم تولید و افزایش بازده تولید است که این امر نیازمند سرمایه گذاری و مهمتر از آن امنیت سرمایه و تضمین سرمایه گذاری است تا تولید کنندگان و سرمایه گذاران این بخش با اطمینان خاطر بیشتری به فعالیت بپردازند (Anderson, 1992؛ درجانی و قربانی، 1377).

کشاورزی همواره یک فعالیت توأم با ریسک است و فعالیتهای در این بخش اتکاء زیادی بر روی طبیعت دارد. طیف وسیعی از خطرات طبیعی مانند طوفان، گرد باد، رعدو برق، سیل، بارانهای شدید، یخبندان و سرما به محصولات کشاورزی آسیب می رساند و این خطرات سبب می شوند عدم اطمینان به بازده محصول و متعاقب آن، به درآمد دریافتی خود داشته باشند و در اینجاست که بیمه محصولات، کشاورزان را از حداقل محافظتی در برابر خطر از بین رفتن محصول در برابر پرداخت حق بیمه اندکی بهره مند می سازد. در صورت وقوع خسارت، کشاورزان بیمه شده می توانند غرامت بگیرند و نهایتاً جبران ضررها به طور کلی یا نسبی بین کشاورزان سرشکن می گردد. چنین امری به کشاورزان کمک می کند تا درآمد خود را تثبیت کنند (یعقوبی فرانی، 1379).

نقش دیگر بیمه تأثیری است که بر روی کشاورزان ریسک گریز دارد. یک کشاورز ریسک گریز در صورتی در فعالیت توأم با ریسک شرکت می‌کند که بازده مورد انتظار او از فعالیت توأم با ریسک، بیشتر از فعالیت بدون ریسک باشد. بیمه با انتقال ریسک سبب افزایش ریسک‌پذیری کشاورزان و تشویق آنها به شرکت در فعالیت‌های توأم با ریسک می‌شود و بنابراین انتظار می‌رود که اجرای سیاست بیمه به افزایش تولید کل بیانجامد. فصلی بودن تولیدات کشاورزی همیشه یک خلا موقتی بین پرداختی‌ها و دریافتی‌های کشاورزان ایجاد می‌کند. بنابراین کشاورزان به منظور پرداخت هزینه‌های جاری و سرمایه‌گذاری در امر کشاورزی نیاز به پس انداز بخشی از درآمدهای گذشته با کمک مالی خارجی (اعتبار) دارند. در رابطه با پس انداز باید پذیرفت که به خاطر درآمد کم کشاورزان، امکان پس انداز آنها بسیار محدود است و بنابراین بیشتر احتیاج به اعتبار دارند از سوی دیگر باید توجه داشت که منابع تأمین اعتبار در مناطق روستایی از منابع رسمی یا از منابع محلی می‌باشد. دریافت وام از منابع محلی اغلب به خاطر نرخ بهره بالای آن برای توسعه مالی کشاورزان مناسب نیست و از طرفی گرفتن اعتبار، خود توأم با ریسک است. چنانچه زارع وام بگیرد و محصول او خسارت ببیند، در این صورت در بازپرداخت وام دچار مشکل خواهد شد و مجبور می‌شود کالاهای تولیدی بادوام و یا احشام خود را بفروشد که نتیجه آن اثر منفی بر توسعه کشاورزی خواهد بود. بیمه وام‌ها می‌تواند به عنوان یک راه حل برای رفع مشکل فوق استفاده گردد و بدین ترتیب کشاورزان تشویق به پذیرش ریسک دریافت وام شوند و در صورت نابودی محصول، بانک بدهی‌های کشاورز را از صندوق بیمه دریافت نماید (فردوسی، 1373).

تأثیر بیمه بر کاهش ریسک تولید در بخش کشاورزی همچنین منجر به افزایش اتکا به نفس تولید کنندگان این بخش و به کارگیری تکنولوژی‌ها و ایده‌های نوین توسط آنها شده و از این طریق به توسعه کاربرد نوآوری‌ها و نهایتاً افزایش کمی و کیفی محصولات کمک می‌کند (جعفرزاده، 1378). پذیرش تکنولوژی جدید در کشاورزی همواره توأم با ریسک و عدم اطمینان است. در این گونه موارد است که بیمه محصولات می‌تواند منبع اطمینان و اعتماد کشاورزان برای پذیرش تکنولوژی جدید و

روش های اصلاح شده کشاورزی باشد. تحت پوشش و حمایت بیمه کشاورزان میل بیشتری نسبت به پذیرش تکنولوژی جدید و با کارایی بیشتر خواهد داشت.

برای افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و استفاده کارا تر از سرمایه‌های موجود بیمه ارزشمندترین ابزار است. زیرا بیمه، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را تشویق کرده و تا حد زیادی از سرمایه های موجود حمایت می‌کند. بیمه در توسعه کشاورزی علاوه بر آنچه تا به حال گفته شد در زمینه تأمین نیروی انسانی سالم برای این بخش نقش مهمی دارد. از طریق توسعه خدمات بیمه درمانی و بهبود این قبیل خدمات بهداشتی، توان تولیدی بخش کشاورزی که نتیجه سلامت و بهداشت روستاییان و کشاورزان است، افزایش می‌یابد. به طور کلی منابع و عوامل فیزیکی تولید هنگامی درخور استفاده می‌باشند که عامل اصلی یعنی انسان، خلاقیت خود را به کار اندازد و آن را از قوه به فعل درآورد و این مهم، تنها از انسان‌های سالم بر می‌آید (کلانتری، 1372).

بیمه کشاورزی بالاترین ظرفیتهای عملیات و بیشترین قابلیت‌ها را برای مقابله با مخاطرات بخش کشاورزی داشته است و یکی از مناسبترین ساز و کارها برای ایجاد امنیت سرمایه گذاری دز این بخش به شمار می‌آید. از مهمترین کارکردهای بیمه کشاورزی آن است که موقعیت اعتباری کشاورزان را بهبود بخشیده و زمینه دسترسی آنها به اعتبارات بانکی را فراهم می‌آورد. افزون بر این بیمه می‌تواند موجب توزیع درآمد در بخش کشاورزی و به ویژه در حوزه اقتصاد دهقانی شود. همچنین بیمه کشاورزی می‌تواند باعث افزایش احساس امنیت در جوامع روستایی شود و بهداشت روانی کشاورزان را تامین کند و این به نوبه خود از شرایط ضروری افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی است (هزل، 1990).

بیمه کشاورزی را در دوران گذار کشاورزی از مراحل سنتی به تجاری و در شرایط پیوستن این بخش به نظام اقتصاد بازار و به بازارهای جهانی می‌توان بهترین چتر امنیتی برای فعالان بخش تلقی کرد. در مقابل نبود بیمه کشاورزی که به معنای سلطه نا امنی مالی، اضطراب روانی و وجود تهدید دائمی عوامل مخاطره آمیز و آسیب آفرین در بخش کشاورزی است، موجب می‌شود که تصمیم‌گیری

کشاورزان از لحاظ اقتصادی، عقلانی و متناسب با الزامات بازار نباشد. این وضعیت به معنای عدم تخصیص بهینه منابع در فرایند تولید و به عبارت دیگر، به هدر رفتن منابع است (رسول اف، 1380). به این دلایل است که بیمه محصولات کشاورزی را می توان یکی از اهرمهای توسعه کشاورزی دانست، زیرا با استفاده از این ساز و کارها نه فقط می توان از طریق پس اندازهای اندکی که انبوه کثیری از کشاورزان به عنوان حق بیمه می پردازند خسارت وارد به کشاورزان خسارت دیده را جبران کرد، بلکه می توان امنیت بیشتری را برای تولید کنندگان کشاورزی فراهم ساخت، مخاطرات تولید را کاهش داد و در نهایت شرایط مطلوبتری را برای جلب و جذب سرمایه های خصوصی در بخش کشاورزی فراهم آورد.

امروزه از حدود 12 میلیون هکتار زمینهای زراعی موجود در کشور سطحی معادل 4/85 میلیون هکتار، حدود 50٪ از سطوح تحت پرورش آبیان، 1/6 میلیون هکتار از منابع طبیعی کشور تحت پوشش بیمه قرار گرفته اند.

عوامل متعددی به عنوان موانع کارایی و شکوفایی صندوق بیمه محصولات کشاورزی در ایران به شمار می آیند. بخشی از این محدودیتها به بنیانهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط است و پاره ای دیگر نیز به صورت درونزا به ساختار بیمه محصولات کشاورزی وابسته است، که بخشی از این موانع عبارتند از:

- ✓ دشواریهای طراحی بیمه محصولات کشاورزی، از جمله اندازه گیری خطر، تنوع خطرات، برآورد خسارت و استاندارد حق بیمه؛
- ✓ برنامه بیمه در محیط روستا یک نوآوری محسوب می شود و کشاورزان چندان از آن استقبال نمی کنند؛
- ✓ نبودن سیستم کشت ثابت برای محصولات، باعث تثبیت در بازده محصول و در نتیجه ایجاد مشکل در محاسبه حق بیمه و غرامت می شود؛
- ✓ نبود و یا کمبود نیروی انسانی ماهر در سطح مدیریتی و عملیاتی؛

✓ پراکندگی و اندازه کوچک مزارع.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده از عملکرد مثبت نظام بیمه محصولات کشاورزی در برخی مناطق مورد مطالعه و همچنین تجربیات حاصل از اجرای بیمه محصولات کشاورزی در کشورهای مختلف، ادامه گسترش سطح بیمه محصولات کشاورزی همچون گذشته، به عنوان عاملی برای تعدیل خسارت وارده به کشاورزان و وسیله ای برای دولت جهت نیل به هدفهای کلان اقتصادی توصیه می‌شود. در این راستا، ساماندهی طرح اجرایی نظام بیمه محصولات کشاورزی در مواردی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین بر اساس نتایج به دست آمده در قسمت‌های قبل پیشنهادهایی به منظور ارتقای کارایی نظام بیمه در زیر ارائه می‌گردد:

- پیشنهاد می‌شود که بیمه محصولات کشاورزی برای کلیه خطرانی که از حیطة مدیریت کشاورز خارج بوده و اکنون نیز در لیست خطرات تحت پوشش صندوق بیمه قرار دارد، حداقل در کوتاه مدت به صورت اجباری صورت پذیرد.
- به منظور سهولت و سرعت بخشیدن به اجرای نظام بیمه محصولات زراعی پیشنهاد می‌گردد که مراکز تعیین شده برای پوشش محصولات کشاورزی علاوه بر بانک‌های کشاورزی، به مراکز خدمات روستایی و سایر سازمانهای محلی مانند تعاونی‌ها اضافه شود.
- از آنجا که دستیابی سریع و آسان به منابع مالی یکی از ضرورتها و پیش نیازهای توسعه فعالیت‌های بخش کشاورزی است لذا اهمیت و نقش بانک کشاورزی به عنوان مهمترین حامی و پشتیبان در این راستا تلقی می‌شود و بانک کشاورزی می‌باید بیشتر از پیش به ارائه خدمات و تسهیلات لازم در این زمینه بپردازد.

1. امینی، ا. و رضائی، م. (1380). " بیمه محصولات کشاورزی، راهکاری اجتناب ناپذیر برای دستیابی به هدفهای توسعه". مقالات همایش بیمه کشاورزی، توسعه و امنیت سرمایه گذاری، انتشارات بانک کشاورزی ایران، تهران.
2. ترکمانی، ج. (1377). گزارش طرح تاثیر بیمه بر کاهش ریسک گندمکاران. تهران: انتشارات موسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
3. جباری، غ. (1378). مدیریت خطر و بیمه‌های کشاورزی. مجموعه مقالات دومین همایش سراسری مسئولین و کارشناسان صندوق بیمه محصولات کشاورزی. تهران: انتشارات صندوق بیمه محصولات کشاورزی.
4. جعفرزاده، ع. (1378). اهمیت بیمه محصولات کشاورزی و جبران خسارت‌های طبیعی. فصلنامه صنعت بیمه، شماره 55.
5. خادم آدم، ن. (1370). "سیاستهای اقتصاد کشاورزی در نظامهای مختلف در ایران" انتشارات اطلاعات. چاپ دوم.
6. دريجانی، ع. و قربانی، م. (1377). عوامل مؤثر بر پذیرش بیمه گندم در استان مازندران، مجموعه مقالات دومین گردهمایی اقتصاد کشاورزی ایران، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران.
7. رسول اف، ج. (1380). بیمه کشاورزی و چشم انداز آینده، فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره 33.
8. سلامی، ح. و احمد آبادی، م. (1380). "عوامل موثر بر تمایل کشاورزان چغندرکار به خرید بیمه محصولات کشاورزی" مطالعه موردی استان خراسان، همایش بیمه کشاورزی، توسعه و امنیت سرمایه گذاری، انتشارات بانک کشاورزی ایران.

9. شاکری، ع. و موسوی، م. (1382). بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی در بخش کشاورزی. فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال 11، شماره 43-44.
10. فرجادی، م. (1376). اصول و مفاهیم بیمه‌های بازرگانی. چاپ اول. تهران: انتشارات شرکت سهامی بیمه ایران.
11. فردوسی، ر. (1373). بررسی نقش بیمه در تولید محصولات کشاورزی (مطالعه موردی محصول پنبه). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
12. کلانتری، ع. (1372). بیمه روستاییان، پشتیبان جامعه روستایی و ضامن توسعه کشاورزی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال اول، شماره دوم.
13. هزل، پ. ب. (1990). کارکرد مناسب بیمه کشتارزی در کشورهای در حال توسعه. (ترجمه محسن حکیمی). گزارش سمینار بیمه کشاورزی در آسیا (APO) برنامه‌ریزی‌ها و کاربست‌ها، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی.
14. یعقوبی فرانی، ا. (1379). بررسی عوامل مؤثر در پذیرش و عدم پذیرش بیمه دام روستایی در استان اصفهان: از دیدگاه دامداران و کارشناسان بیمه. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
15. Anderson, J. R. & Dillon J. L. (1992). Risk Analysis in Dry land Farming Systems. FAO, Farm system management series (2). Rome.
16. Anonymous. (1992) "Agricultural insurance in developing countries: study by the UNCTAD secretariat". Unclad.
17. Balagura, t. and uenkatestwart, u. (1988). Implementation of World Bank aided national agricultural research project in India: a case study agricultural administration and extension, (29).

18. **Carriker, G.L.** (1991). Crop insurance and disaster assistance designs for wheat and grain sorghum, *American journal of Agricultural Economics*. 75: 735-447.